سال بیست‌ویکم، شماره‌ی ۷۶
زمستان ۱۴۰۰، صفحات ۱۳۳-۱۱۹

دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر
فصلنامه‌ی علمی فضای جغرافیایی

DOI:10.52547/GeoSpa.21.4.119

محمد اخباری[۱]
*حامد ابراهیمی[۲]

متغیرهای سیاست داخلی اثرگذار بر محیط شناسی ژئوپلیتیکی پیرامون جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی: حوزه دریای خزر)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۰۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۳۱

چکیده

مکان‌ها و فضاهای جغرافیایی دارای ارزش‌های متفاوتی هستند که از ثبات برخوردار نمی‌باشند و در بستر زمان دچار تحول و تغییر می‌گردند. مصداق این نمونه در محیط پیرامونی ج.ا.ا، حوزه ژئوپلیتیکی دریای خزر است که در گذشته جزو مناطق کم‌ارزش ژئوپلیتیکی محسوب می‌شده، ولی امروزه از ارزش ژئوپلیتیکی بالایی برخوردار شده است. به همین علت شناخت دقیق و مداوم محیط ژئوپلیتیکی این حوزه موضوعی تعیین کننده می‌باشد. یکی از ابعاد ژئوپلیتیکی بسیار مهم کشورهای حوزه خزر، بعد سیاست داخلی این کشورهاست که به علت اثرات بالای آن بر سایر مولفه‌های ژئوپلیتیکی این محیط و در نتیجه بر منافع ملی کشور ما، مبنایی برای تدوین این مقاله قرار گرفته است. در واقع شناخت متغیرهای ژئوپلیتیکی مرتبط با سیاست داخلی کشورهای پیرامون ج.ا.ایران در حوزه دریای خزر هدف اصلی این مقاله است. در این اثر، از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده و نگارنده تلاش نموده که با انجام مطالعات کتابخانه ای و نظری، شناخت مولفه های سیاست داخلی کشورهای حوزه خزر، ارائه پرسشنامه و انجام آزمون بر روی داده های پرسشنامه، یافته های تحقیق را استخراج و نتایج تحقیق را ارائه نماید. در نهایت پنج

۱- گروه جغرافیای سیاسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
E-mail: ha4140009@yahoo.com
*۲- گروه جغرافیای سیاسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).
E-mail: dr.m.akhbari@gmail.com

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.1735322.1400.21.76.8.6]

متغیر «واگرایی، خودمختاری و جدایی طلبی»، «نوع و ساختار سیاسی حکومت»، «وفاق ملی و مشارکت اجتماعی»، «وضعیت استقلال سیاسی»، «قانون اساسی و کیفیت وضع قوانین» احصاء گردیده که به جهت اثرگذاری بسیار بالای آن بر سایر ابعاد و متغیرهای ژئوپلیتیکی، می‌تواند مبنای مطالعه‌محیطی ژئوپلیتیکی در بعد سیاست داخلی کشورهای حوزه دریای خزر قرار گیرد تا درک درست و کامل‌تری از محیط ژئوپلیتیکی پیرامون ج.ا.ا در این حوزه به‌دست آید.

کلید واژه‌ها: محیط پیرامونی، سیاست داخلی، حوزه دریای خزر، ژئوپلیتیک، محیط‌شناسی.

مقدمه

محیط پیرامونی هر کشور عمدتاً شامل مکان‌ها و فضاهای جغرافیایی است که اهداف، فرصت‌ها و تهدیدات هر کشور در آن چارچوب تعریف می‌شود و بر هر عمل راهبردی و سیاسی کشور احاطه دارد. یقیناً عدم توجه به تحولات محیط پیرامونی و کم‌بهره جستن از این تحولات، می‌تواند بر مؤلفه‌های قدرت کشور اثرپذیر، تأثیرات مخرب داشته و دامن آن کشور را به تحولات ناهنجار محیط آلوده نماید. یکی از این محیط‌های پیرامونی راهبردی کشورمان، حوزه ژئوپلیتیکی دریای خزر است. فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد نه‌تنها باعث فعال شدن حوزه دریای خزر گردید (Kolahi and Ebrahimi, 2013)؛ بلکه حوزه‌های ژئوپلیتیک مجاورش را نیز فعال‌سازی و دچار فرآیند بازتولید قدرت کرده است. با این اتفاق، دوران جدیدی در روابط بین کشورهای این منطقه، با حضور چهار کشور جدیدالتاسیس و با ساختار سیاسی- اقتصادی اقتدارگرای بجا مانده از شیوه‌های حکومتی شوروی سابق، در کنار ج.ا.ایران در حاشیه دریای خزر آغاز شد. با توجه پیاده‌سازی رفتارهای اقتدارگرایانه در روند تصمیم‌گیری‌های کلان این کشورها، این نکته باید مدنظر قرار گیرد که طبیعتاً هرگونه قوانین، راهبردها و رفتار این کشورها در حوزه‌های سیاست خارجی، اقتصادی، دفاعی-امنیتی، فرهنگی-اجتماعی، زیست‌محیطی و... متاثر از سیاست داخلی این کشورها می‌باشد و بنابراین از این منظر، ابعاد و متغیرهای مرتبط با سیاست داخلی کشورهای پیرامونی ایران در حوزه خزر به علت اثرات بالای آن بر سایر ابعاد ژئوپلیتیکی این کشورها واجد اهمیت بسیار زیادی است. در واقع، نگارندگان معتقد است که عدم اولویت‌دهی به مولفه‌های اصلی سیاست داخلی کشورهای این حوزه نزد تصمیم سازان کشور باعث گردیده که شناخت دقیق و مبتنی بر واقعیت‌های اساسی حاکم بر این فضای کشورها حاصل نشود و همین امر اثرات خود را بر راهبردها و رفتارهای سیاست خارجی کشورمان نسبت به محیط مذکور برجای گذاشته و موجب گردیده که با وجود گذشت سه دهه از عمر سیاسی این کشورها، تاکنون بستر مناسبی برای تعامل راهبردی بین ج.ا.ا و همسایگان شمالی خود در حوزه خزر فراهم نگردد (Lotfian, 2011). همچنین با توجه تلاش برای حضور، نفوذ و سرمایه‌گذاری‌های وسیع رقبای منطقه‌ای مانند ترکیه، رژیم صهیونیستی و عربستان و توسعه روابط تا حد راهبردی و تلاش برای هویت‌سازی‌های مشترک جدید با کشورهای این منطقه و همچنین توسعه نفوذ قدرت‌های غربی معارض با ایران در این حوزه، آینده تعاملات راهبردی بین ج.ا.ا با کشورهای حوزه دریای خزر

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.1735322.1400.21.76.8.6]

دور از انتظار به نظر می‌رسد. در حال حاضر، پیاده‌سازی مسیرهای ترانزیتی بین چین-آسیای مرکزی- قفقاز-ترکیه، طرح‌های عظیم انتقال گاز روسیه-چین و روسیه-ترکیه، طرح‌های عبور خطوط لوله نفت و گاز آسیای مرکزی از بستر خزر، خط لوله باکو-تفلیس-جیهان، عدم نقش‌آفرینی موثر ایران در تحولات اخیر بحران قره‌باغ و از دست رفتن منافع وسیع طرح‌های مذکور برای کشور (با توجه به موقعیت راهبردی ایران در تمامی تحولات فوق) ناشی از عدم شناخت درست مولفه‌های سیاست داخلی و عدم اولویت‌دهی به چگونگی برقراری تعامل با ساختار تصمیم‌گیری کلان کشورهای حوزه خزر است (Porsadegh and Keshtkar, 2016) .

پیشینه پژوهش

تاکنون مطالعات مختلفی نیز در حوزه‌های ژئوپلیتیکی پیرامونی ایران به‌خصوص حوزه دریای خزر صورت پذیرفته است از جمله این که: Firoozian (2008)، در مقاله‌ای با عنوان «چالش‌های فراروی ایران در دریای خزر»، این چالش‌ها را اینچنین احصاء نموده است: ۱- تراکم تهدیدهای پیرامونی، ۲- مرزهای کنترل ناپذیر و ۳- فقدان چترهای حمایتی بین‌المللی. برای حل این چالش‌ها، راهکارهای زیر را ارائه نموده است: ۱) رویکرد واقع‌بینانه تهران برای رسیدن به اجماع در مورد نظام حقوقی دریای خزر، ۲) شناسایی عادلانه مرز دریایی بین کشورهای پیرامونی این حوزه و ۳) انتقال بخش قابل توجهی از انرژی خزر به بازارهای جهانی از طریق خاک ایران (Firoozian, 2008: 103-106) Hafeznia and Dolatabadi (2002)، در مقاله خود با عنوان «علایق ژئوپلیتیک و راهبرد ملی مطالعه موردی: ایران نسبت به آسیای مرکزی، چگونگی نقش‌آفرینی ایران براساس علایق ژئوپلیتیک تأثیرگذار این حوزه را ارزیابی نموده‌اند. همچنین، فرصت‌های ناشی از شکاف‌های رقابتی بازیگران سطوح مختلف قدرت (سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی) در منطقه آسیای مرکزی و تجانس‌های ساختاری جمهوری اسلامی ایران نسبت به کشورهای منطقه آسیای مرکزی را به دست آورده و نشان داده‌اند که این‌ها چه فرصت‌هایی را برای تدوین راهبرد ملی فراروی ج.ا.ایران قرار می‌دهد. Ghasemi and Nazari (2013) در مقاله‌ای با عنوان «تحولات ژئوپلیتیک در حوزه دریای خزر و تغییر نقش قدرت‌های بزرگ در این منطقه»، خلاء قدرت، رقابت و فراز و فرود نقش قدرت‌های تأثیرگذار و تغییرات معادله قدرت را در حوزه خزر و اثرات آن بر تشدید شکاف‌ها و منازعات منطقه‌ای بررسی نموده و به راهکارهایی برای کاهش بی‌ثباتی ناشی از مداخله قدرت‌های بزرگ در منطقه با تکیه بر دو اصل محدود کردن مداخله قدرت‌ها و گرایش به همکاری‌های منطقه‌ای دست یافته‌اند. Zinalabedini and Yahya Poor (2009)، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی ساختار ژئوپلیتیک کشورهای حوزه دریای خزر»، عوامل تأثیرگذار بر تحولات ژئوپلیتیک کشورهای حوزه دریای خزر را مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه رسیده‌اند که هرکدام از این کشورها، نگرش‌های متفاوتی نسبت به این حوزه دارند. ایران و روسیه دو کشور قدرتمند در این حوزه، دارای راهبرد مستقل می‌باشند؛ اما سه جمهوری تازه استقلال یافته دیگر (آذربایجان، ترکمنستان و قزاقستان) دارای راهبرد متزلزل می‌باشند و سعی می‌کنند روابط خود را با کشورهای فرامنطقه‌ای تنظیم کنند و علیرغم قرابت، با کشورهای منطقه تفاهم و توافق ندارند. به همین دلیل، استفاده و

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.1735322.1400.21.76.8.6]

بهره‌برداری بهینه از این حوزه برای همه کشورهای حوزه خزر با مشکل مواجه شده است. در نهایت این‌که در پیشینه‌های فوق، علی‌رغم کمک به نگارندگان در مطالعات نظری و کتابخانه‌ای، کوشش فکری که متمرکز بر احصاء متغیرهای ژئوپلیتیکی مرتبط با بعد سیاست داخلی کشورهای حوزه دریای‌خزر باشد تدوین نگردیده و از این منظر تئوریک، نیاز به تدوین این اثر احساس می‌گردد.

مبانی نظری

میزان اهمیت بررسی ابعاد و متغیرهای ژئوپلیتیکی، بخصوص سیاست داخلی کشورهای حوزه خزر، برای سیاست خارجی کشورمان را در قالب نظریه ارزش ها و عوامل جغرافیایی Hafeznia (2018) ، به‌وضوح می‌توان نمایان نمود. از نظر ایشان، مکان‌ها و فضاهای جغرافیایی دارای موقعیت و محتوای ویژه‌ای هستند که به‌صورت ارزش‌های درک شده از سوی سازه‌های انسانی، ملت‌ها، دولت‌ها و گروه‌های بشری در می‌آیند و معنی سیاسی و مطلوبیت خاصی برای آن‌ها پیدا می‌کنند. ارزش‌های جغرافیایی که مطلوبیت سیاسی پیدا می‌کنند از ماهیت ژئوپلیتیکی برخوردار شده و در رفتار و کردار انسان‌ها به‌صورت گروهی یا فردی اثر می‌گذارند و الگوهای رفتاری مختلفی نظیر همکاری، همگرایی، تعامل، رقابت، ستیز، سلطه، تصرف، کنترل و نظایر آن را در بین آن‌ها می‌آفرینند (Hafeznia, 2018: 271- 244). ارزش‌های عوامل و متغیرهای مزبور از ثبات و پایداری برخوردار نیستند و بسته به عوامل و مقتضیات مختلف به‌ویژه در بستر زمان و به‌موازات تکامل و گسترش تکنولوژی، ظهور تشنجات جهانی، تغییرات عوامل حکومتی، این ارزش‌ها و نقش‌آفرینی آن‌ها دچار دگرگونی و تحول می‌شود .(Hafeznia,1999: 244) ارزش سیاسی عناصر و عوامل ساختاری مکان و فضا و نیز کارکردهای آن از سیالیت و تحول‌پذیری برخوردار است. مثلا دو نیروی متخاصم و رقیب می‌توانند به آن نگرش مثبت یا منفی داشته باشند. یعنی یکی از منظر فرصت به آن نگاه کند در حالی که دیگری به آن نگرش تهدید داشته باشد...از این رو ارزش سیاسی یک عامل و عنصر مکانی یا فضایی، در طیفی از فرصت تا تهدید شناور و سیال می‌باشد و تعیین کارکرد فرصتی (مثبت) یا تهدیدی (منفی) برای آن نسبت به خود یا دیگران و رقبا، بستگی به تدبیر و راهبرد بازیگران سیاسی دارد (Hafeznia et al., 2007: 319). بنا به دلایل فوق و با توجه به ماهیت ژئوپلیتیکی سیال حوزه دریای خزر، شناخت و تبیین متغیرهای ژئوپلیتیکیِ مرتبط با سیاست داخلی کشورهای پیرامونی ج.ا.ا در حوزه دریای خزر به‌عنوان یک اولویت، هدف اصلی نگارندگان از تدوین این مقاله قرار گرفته است. حال این سوال اصلی مطرح می‌شود که: متغیرهای ژئوپلیتیکیِ مرتبط با سیاست داخلی کشورهای پیرامونی ج.ا.ا در حوزه دریای خزر کدام است؟ نگارندگان در این تحقیق از روش توصیفی-تحلیلی استفاده نموده و با انجام مطالعات کتابخانه‌ای و نظری و شناخت مولفه‌های سیاست داخلی کشورهای حوزه خزر، ارائه پرسشنامه و انجام آزمون بر روی داده‌های پرسشنامه، متغیرهای تحقیق را استخراج نموده و نتایج را بدین شکل به‌دست آورده است که پنج متغیر: واگرایی، خودمختاری و جدایی‌طلبی، نوع و ساختار سیاسی حکومت، وفاق ملی و مشارکت اجتماعی، وضعیت استقلال سیاسی، قانون اساسی و کیفیت وضع قوانین به‌ترتیب اولویت، متغیرهای موثر سیاست داخلی کشورهای حوزه دریای خزر شناخته شده‌اند که در واقع، اولویت‌دهی به متغیرهای مذکور

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.1735322.1400.21.76.8.6]

می‌تواند تصمیم‌سازان و مسئولین سیاست خارجی کشورمان را به درک درستی از واقعیت‌های ژئوپلیتیکی کشورهای این حوزه چالش‌خیز در پیرامون مرزهای شمالی ایران برساند و همچنین زمینه علمی لازم را برای بررسی دقیق سایر ابعاد و متغیرهای ژئوپلیتیکی این حوزه برای محققین دیگر فراهم نماید.

مواد و روش‌ها

در این مقاله از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده است. توصیفی است یعنی به شناسایی و توصیف دقیق متغیرهای سیاست‌داخلی کشورهای حوزه دریای خزر پرداخته است. تحلیلی است چرا که با تحلیل متغیرهای سیاست داخلی کشورهای پیرامون ایران در حوزه دریای خزر، نگارندگان توانسته‌اند درک درستی از محیط ژئوپلیتیکی پیرامون ج.ا.ایران ارائه نمایند. همچنین محققان برای گردآوری اطلاعات از دو روش کتابخانه‌ای علمی-تخصصی (به‌وسیله رساله‌ها، مقالات علمی-پژوهشی، سایت‌های اینترنتی آکادمیک، نقشه‌های منطقه و...) و روش میدانی (به‌وسیله پرسشنامه) استفاده نموده‌اند. در این مقاله، به‌منظور احصاء تاثیرگذارترین عوامل ژئوپلیتیکی سیاست داخلی کشورهای حوزه خزر، گزاره‌های پیشنهادی در قالب پرسشنامه در یک جامعه آماری شامل افراد خبره و صاحب‌نظر مرتبط با مسائل ژئوپلیتیک حوزه خزر، متخصصان جغرافیای سیاسی، روابط بین‌الملل، سیاست خارجی، محیط‌شناسی، در سطوح کشوری و لشکری، با حجم نمونه ۵۰ نفر توزیع گردید که در نهایت ٤١ نفر پاسخگویی نموده‌اند. روش نمونه‌گیری نیز غیراحتمالی و غیر گزینشی است. سوالات این پرسشنامه در یک پنل خبرگی ۱۵ نفره مطرح و در دو سوال به شرح زیر تایید شد:

۱) آیا این عامل می‌تواند به‌عنوان یک متغیر سیاست داخلی کشورهای حوزه دریای خزر شناخته شود؟

۲) در صورت تائید، به نظر شما میزان اثرگذاری این متغیر بر محیط ژئوپلیتیکی پیرامون ج.ا.ا در حوزه دریای خزر چقدر است؟

برای تعیین روایی پرسشنامه از فرمول ضریب لاوشه[3] استفاده گردید:

$$C.V.R = \frac{NE - \frac{N}{2}}{\frac{N}{2}}$$

در رابطه فوق:

C.V.R = ضریب لاوشه

Ne = تعداد متخصصانی که گزینه مهم و مرتبط را برای سئوال انتخاب کرده‌اند

N = تعداد کل متخصص می باشد.

در خصوص این مقاله، نگارندگان با نظر چند تن از استادان روش تحقیق و صاحب‌نظر، مقدار قابل قبول برای روایی هر پرسش را عدد ۰/۷ و به بالا (تایید حداقل ۳۵ نفر از ٤١ نفر پرسش شونده) را مبنا قرار داده‌اند... بنابراین برابر

3- C.V.R (Content Validity Ratio)

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.1735322.1400.21.76.8.6]

محاسبات انجام شده توسط ضریب لاوشه، تعداد ٦ متغیر پرسشنامه به شرح ذیل که دارای ضریب کم‌تر از ۰/۷ بوده‌اند، حذف و به‌عنوان متغیر اصلی مرتبط با بعد سیاست داخلی موثر بر محیط ژئوپلیتیکی پیرامون ایران شناخته نشده‌اند:

وضعیت احزاب و نهادهای سیاسی مردمی، هویت ملی، ویژگی‌های ملی، سیاست‌های نامناسب اقتصادی، توزیع نامناسب ثروت و فساد مالی، قاچاق کالا و مواد مخدر

ضمناً پس از محاسبه ضریب لاوشه تک‌تک سئوالات، میانگین سئوالات باقیمانده به‌عنوان شاخص روایی کل، برای پرسشنامه محاسبه گردید که میانگین مذکور عدد ۰/۸۹۵ به‌دست آمده است. لذا پرسشنامه مزبور از روایی با اعتبار بالا برخوردار می‌باشد. در واقع می‌توان با درصد اطمینان بالایی نتیجه‌گیری نمود که سؤالات پرسشنامه این پژوهش به نحو مطلوب و قابل قبولی، اطلاعات علمی موردنیاز این تحقیق را جمع‌آوری نموده است.

برای محاسبه پایایی یا هماهنگی درونی ابزار اندازه‌گیری که خصیصه‌های مختلف را اندازه‌گیری می‌کند، از فرمول آلفای کرونباخ استفاده گردید. هرچه آلفای کرونباخ به یک نزدیک باشد پایایی بیش‌تر است. (Khalili Shourini, 2012:221-228). فرمول ضریب آلفای کرونباخ:

$$r_a = \frac{k}{k-1}\left[1 - \frac{\sum s^2 k}{\sum s_t^2}\right]$$

در رابطه فوق:

K= تعداد سئوال‌های پرسشنامه،

s^2k = واریانس پاسخ‌های همه آزمودنی‌ها به سئوال k اُم،

s_t^2 = واریانس جمع نمره‌های هر پاسخگو می باشند.

ra = ضریب پایایی کرونباخ است که باید بیش‌تر از ۰/۷۵ باشد تا پایایی تایید گردد.

به‌طور کلی مقدار آلفای کم‌تر از ۰/٦: غیرقابل‌قبول، ۰/۷ تا ۰/۸: خوب، ۰/۸ تا ۰/۹: خیلی خوب و بالاتر از ۰/۹: بیانگر پایایی عالی ابزار سنجش است.

داده‌های حاصل از پرسشنامه با استفاده از دو آزمون مورد تجزیه‌وتحلیل قرار گرفته است:

۱- آزمون همگن بودن (تحلیل عامل تاییدی) (با استفاده از نرم‌افزار اسمارت پی.ال.اس)[4]

۲- آزمون فریدمن[5]

آزمون همگن بودن: این آزمون مطابق با نظر «تنن هاوس» کلید ورود به آزمون‌های دیگر است. منظور از همگن بودن یا همجنس بودن این است که سوالات یک مجموعه باید از یک جنس و حول یک محور باشند و متغیرها

4- Smart
5- Friedman

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.1735322.1400.21.76.8.6]

دقیقاً بعد متناظر خود را بسنجند. مطابق با نظر «هیر» اگر بارهای عاملی بالای ۰/۷ باشد، سوالات آن مجموعه همگن و از یک جنس می‌باشد. در صورتی که سوالی مقدار معین را نداشت، باید حذف شود. به این فرآیند تحلیل عامل تاییدی گفته می‌شود (Hear, 2019: 215).

جدول ۱- بارهای عاملی مدل اندازه گیری انعکاسی اولیه (آزمون همگن بودن)

Table 1- Factor loads of the initial reflection measurement model (homogeneity test)

سیاست داخلی	متغیرها	
۰/۷۲۱	نوع و ساختار سیاسی حکومت	DQ1
۰/۷۳٤	وضعیت استقلال سیاسی	DQ2
۰/۷۰۰	قانون اساسی و کیفیت وضع قوانین	DQ3
۰/۸٦۰	وفاق ملی و مشارکت اجتماعی	DQ4
۰/۸۸۳	واگرایی، خودمختاری و جدایی‌طلبی	DQ5

آزمون فریدمن: رتبه‌بندی و اولویت‌بندی متغیرهای نقش‌آفرین در بعد سیاست داخلی با استفاده از آزمون فریدمن و به شرح زیر صورت گرفته است:

جدول ۲- رتبه‌بندی و اولویت بندی متغیرهای سیاست داخلی با آزمون فریدمن

Table 2- Ranking and prioritization of domestic policy variables by Friedman test

رتبه بندی و اولویت بندی متغیرهای سیاست داخلی با آزمون فریدمن				
رتبه	Mean Rank	متغیرها		بعد
۱	۳/۲۸	واگرایی، خودمختاری و جدایی طلبی	DQ5	سیاسی (داخلی)
۲	۳/۰۷	نوع و ساختار سیاسی حکومت	DQ1	
۳	۳/۰۱	وفاق ملی و مشارکت اجتماعی	DQ4	
٤	۲/۹۹	وضعیت استقلال سیاسی	DQ2	
٥	۲/٦٥	قانون اساسی و کیفیت وضع قوانین	DQ3	

یافته‌ها و بحث

با توجه به نتایج به‌دست آمده، ضریب آلفای کرونباخ در تمامی متغیرها بالاتر از ۰/۷ گردیده و در نتیجه همه متغیرهای روا دانسته شده، مورد تایید قرار گرفته است. ضمناً ضریب آلفای کرونباخ کل پرسشنامه ۰/۸۸ است که نشان دهندۀ پایایی خیلی خوب ابزار سنجش این تحقیق (پرسشنامه) می‌باشد. برای تجزیه‌وتحلیل داده‌ها در این مقاله نیز، نگارندگان از روش‌های آمار ناپارامتریک، استفاده نموده است. در واقع محقق پس از بررسی اسناد و مدارک کتابخانه‌ای، استخراج متغیرهای ژئوپلیتیکی مدنظر، توزیع پرسشنامه بین جامعه نمونه، داده‌های حاصل از پرسشنامه را با استفاده از آمار توصیفی و آمار استنباطی مورد تجزیه‌وتحلیل قرار داده است. با توجه به نتایج آزمون همگن بودن طبق جدول فوق، تمامی بارهای عاملی بالای ۰/۷ می‌باشد. از طریق این آزمون مشخص شد که متغیرهای

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.1735322.1400.21.76.8.6]

زیرمجموعه بعد سیاست داخلی همگن و از یک جنس بوده و تمام متغیرهای تحقیق قابلیت سنجش بعد متناظر تحقیق را دارند. بنابراین هیچکدام از متغیرهای نقش‌آفرین در این بعد حذف نمی‌گردد و همه این متغیرها دارای اهمیت بوده و در محیط‌شناسی ژئوپلیتیکی پیرامون ایران باید مورد بررسی قرار گرفته و جانمایی گردند. براساس رتبه‌بندی به‌دست آمده توسط آزمون فریدمن طبق جدول فوق، در بین متغیرهای نقش‌آفرین در محیط‌شناسی ژئوپلیتیکی پیرامون ایران مرتبط با بعد سیاست داخلی، متغیر «واگرایی، خودمختاری و جدایی‌طلبی» رتبه اول را دارا بوده و اولویت اول شناخته می‌شود و متغیر «قانون اساسی و کیفیت وضع قوانین» رتبه آخر را دارا بوده و درجه اهمیت آن از متغیرهای دیگر کم‌تر می‌باشد. لذا در بررسی بعد سیاست داخلیِ محیط‌شناسی ژئوپلیتیکی مناطق پیرامون ایران، متغیر «واگرایی، خودمختاری و جدایی‌طلبی» منطقه مورد نظر در اولویت بررسی قرار دارد و سپس سایر متغیرها مورد بررسی قرار خواهند گرفت. پس از احصاء و رتبه‌بندی متغیرهای اصلی سیاست داخلی کشورهای حوزه خزر توسط نتایج آزمون‌ها، اهمیت، اولویت و همچنین دلایل عدم تایید برخی از متغیرها، تجزیه‌وتحلیل می‌شود:

متغیر یکم: نوع و ساختار سیاسی حکومت

نوع حکومت مستقر در یک کشور و ساختار سیاسی دولت در آن، یکی از محوری‌ترین مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی است و اثری اساسی بر سایر ابعاد و متغیرهای ژئوپلیتیکی دارد. دولت‌های همسایه ایران در مرزهای شمالی حکومت‌های به ظاهر دموکراتیک ولی در باطن اقتدارگرا محسوب می‌شوند و در این نوع حکومت‌های اقتدارگرا، این نکته باید مد نظر قرار گیرد که طبیعتاً هرگونه قوانین، راهبردها و رفتار این کشورها در حوزه سیاست خارجی، اقتصادی، دفاعی- امنیتی، فرهنگی- اجتماعی و... متاثر از نوع نگاه حاکمان و یا هیئت حاکمه این کشورها به این مسائل خواهد بود و به این بستگی خواهد داشت که در هر حوزه، اقدامات مدنظر هیئت حاکمه این کشورها چگونه است. پس با توجه به اثرگذاری بسیار بالای این عامل بر سایر عوامل ژئوپلیتیکی، لازم است در بررسی محیط پیرامونی مورد مداقه دقیق قرار گیرد.

متغیر دوم: هویت ملی و متغیر سوم: ویژگی‌های ملی

در بحث متغیرهای فوق، یکی از مشخصه‌های بارز کشورهای تازه استقلال یافته حوزه خزر پس از فروپاشی شوروی، خلاء هویتی ناشی از پایان تسلط ۷۰ ساله ایدئولوژی کمونیسم که بر تمامی شئون هویتی و ویژگی‌های شخصیتی و فرهنگی جوامع و اقوام مستقر در امپراطوری اثرگذاری بالایی داشته، می‌باشد. در واقع، پایان فشار سیاسی ایدئولوژی حاکم کمونیسم، از بین رفتن جذابیت‌های فرهنگی اولیه این ایدئولوژی، تازه تاسیس بودن کشورهای تازه استقلال یافته و تلاش هیئت حاکمه برای تقویت عنصر ناسیونالیسم قومی به‌عنوان هویت جدید، ضعف ساختار سیاسی و نفوذ قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه ای مانند ج.ا.ا، ترکیه، عربستان، ایالات متحده امریکا و اروپا، چین برای قبولاندن مدل هویتی مدنظر خود به رهبران کشورهای این منطقه، سبب گردیده است که جوامع این حوزه در مرحله گذار هویتی بسر برند و در این مرحله، هر مدل هویتی (مانند مدل کمونیستی چینی، لیبرالیسم

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.1735322.1400.21.76.8.6]

غربی، ایرانی اسلامی، ترکی و...) که دارای عناصر اقناع ساز بهتری در کشورهای مذکور به‌خصوص در نزد هیئت حاکمه این کشورها باشد، در آینده نزدیک از اقبال بیش‌تری برای ساخت هویتی کشورهای حوزه خزر برخوردار خواهد بود. بنا به این دلایل مولفه‌های هویت ملی و ویژگی‌های ملی به‌عنوان یک متغیر ژئوپلیتیکی با اثرگذاری بسیار بالا در بحث سیاست داخلی کشورهای این حوزه حداقل برای زمان حال و آینده نزدیک ارزیابی نمی‌گردند. از نظر پرسش‌شوندگان نیز، این دو مولفه قابلیت ارتباط و جانمایی به‌عنوان یکی از متغیرهای بعد «انسانیِ» محیط ژئوپلیتیکی فوق را دارا می‌باشند. همچنین این متغیرها عناصر، شالوده و تقویت‌کننده وفاق ملی و تشکیل دهنده مشارکت اجتماعی به‌عنوان یکی از اهداف اصلی سیاست داخلی کشورها می‌باشند و در واقع در اینجا امکان این‌که این دو متغیر به‌عنوان شاخص‌های زیرمجموعه متغیر چهارم (وفاق ملی و مشارکت اجتماعی) شناخته شوند وجود دارد.

متغیر چهارم: وفاق ملی و مشارکت اجتماعی

کشورهای مختلف معمولاً از نظر خصوصیات ملی و باورهای اجتماعی باهم متفاوت هستند. خصوصیات ملی و فرهنگی جوامع، تأثیر فراوانی در ارزیابی قدرت آن‌ها دارد. همچنین امروزه بافت اجتماعی جوامع داخل کشورها از تنوع انسانی برخوردار است و به همین دلیل وفاق ملی و مشارکت اجتماعی پدیده‌ای بسیار مهم و تاثیرگذار است. تحقُّق نسبی این امر نیز در گرو کیفیت نقش‌آفرینی‌های متغیرهای مستقل متعددی در ابعاد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی می‌باشد. سیاست دولت‌های حوزه خزر بر تاکید و تقویت عواملی مانند همبستگی‌های زبانی، جشن‌ها و مراسمات ویژه، لباس‌های ملی، نمادهای مشترک مانند پرچم، سرود ملی، بناها و حماسه‌های ملی، سرزمین مشترک، تاریخ مشترک، نژاد مشترک، مذهب مشترک و... موجبات تقویت وفاق ملی و مشارکت اجتماعی آحاد یک جامعه را به نفع حکومت مرکزی فراهم نموده و از طرف دیگر، ضعف اقتصادی، نابرابری در توزیع منابع، عدم اجازه و مشارکت سیاسی به بخش‌هایی از جامعه بنا به دلایلی، موجب کاهش این امر گردیده است. به همین دلیل بررسی این متغیر باید یکی از اولویت‌های مطالعاتی سیاست خارجی کشورمان در حوزه خزر محسوب شود.

متغیر پنجم: وضعیت احزاب و نهادهای سیاسی مردمی

احزاب سیاسی نیز می‌توانند نقش عمده‌ای در یکپارچه‌سازی ملی، از طریق هماهنگی و گردآوری اعضای خود از نواحی مختلف جغرافیایی و گسترش مشارکت سیاسی آن‌ها داشته باشند. البته این امر خود تابعی از ساختار سیاسی کشور است که به‌نوعی اجازه و میزان فعالیت و حوزه تأثیرگذاری و نفوذ احزاب و دسته‌جات سیاسی را مشخص می‌کند.

دلایل عدم تایید متغیر پنجم (وضعیت احزاب و نهادهای سیاسی مردمی): یکی از دلایل این می‌تواند باشد که در واقع احزاب و نهادهای سیاسی مردمی و نحوه، میزان و حوزه کنش آن‌ها در جامعه یک کشور در ساختار سیاسی یک حکومت تعریف می‌گردد و طبعاً این عامل در متغیر ششم یعنی «نوع و ساختار سیاسی حکومت» مستتر است. از طرفی در حوزه حکومت‌های اقتدارگرای خزر، فعالیت احزاب تا جایی اجازه گسترش داده شده است که به منافع

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.1735322.1400.21.76.8.6]

هیئت حاکمه آسیب وارد نکند و از طرف دیگر این احزاب با استفاده ابزاری، در راستای مطامع سیاسی رهبران این کشورها عمل می‌کنند. همین دلایل، نقش این عامل را به‌عنوان یک متغیر ژئوپلیتیکی تاثیرگذار در محیط پیرامونی ایران کم‌رنگ نموده و از نظر جامعه نمونه تحقیق نیز فاقد اقبال گردیده است.

متغیر ششم: قانون اساسی و کیفیت وضع قوانین

قانون اساسی و کیفیت وضع قوانین یک کشور، نشان دهنده دیدگاه‌های حاکم بر کشور، مصالح و منافع آن و نحوه تصمیم‌گیری در مورد مسائل اساسی و کلان کشور است که این امر بر سیاست داخلی کشورها اثرگذار بوده و قابل بررسی می‌باشد. قوانین اساسی نوع و ساختار سیاسی کشور را مشخص و میزان اختیارات نهادهای حکومتی و سایر ارگان‌ها را تعیین می‌کنند و اهداف و منافع ملی و مصالح یک کشور را نشان می‌دهند که در ارزیابی وضعیت سیاست داخلی یک کشور باید مورد بررسی قرار گیرند. به‌عنوان مثال، پس از فروپاشی شوروی، قوانین اساسی کشورهای حوزه دریای خزر طوری تنظیم شده است که فضا و اختیارات لازم را برای اقتدارگرایی ساختار حکومتی فراهم می‌کند. ویژگی دیگر قانون اساسی این کشورها بر مبنای جدایی دین از سیاست تنظیم شده و طبیعتاً این امر فضا و اختیارات لازم را برای نهادها و دسته‌جات با بنیان مذهبی جهت حضور در فضای سیاسی را بسیار محدود می‌کند.

متغیر هفتم: وضعیت استقلال سیاسی

وضعیت استقلال سیاسی از آن جهت مهم و قابلیت قرارگیری در بین متغیرهای ژئوپلیتیکی محیط پیرامونی ایران را دارد که کشورها در صورت داشتن استقلال سیاسی و توانایی در تصمیم‌گیری در خصوص مسائل داخل و خارج کشور خود بر اساس قدرت نظام حاکم، براساس مصالح کشور خود تصمیم گرفته و تابع مصالح و تصمیمات کشوری که بر آن‌ها تسلط سیاسی دارد نیستند و این امر طبیعتاً بر تصمیمات دولت در تمامی جوانب و ابعاد دیگر اثرگذار است. یکی از ویژگی‌های کشورهای تازه استقلال یافته حوزه خزر این است که با وجود گستردگی چتر روسیه روی کشور خود در ابعاد مختلف، در تصمیم‌گیری‌ها و روابط سیاسی، اقتصادی و نظامی خود در سطح منطقه و بین‌الملل با احتیاط برخورد نموده و به دنبال برانگیختن حساسیت روسیه نیستند. در واقع برخورداری رهبران این کشورهای جوان از اراده سیاسی نه چندان مستقل، موجب حضور و نفوذ قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بعضاً معارض با ایران در این منطقه حساس ژئوپلیتیکی در کنار مرزهای شمالی ایران گردیده و وضعیت ژئوپلیتیکی منطقه را تغییر داده است. همچنین در نقطه مقابل، استقلال بالای سیاسی کشورهای ایران و روسیه، در روند تصمیم‌گیری‌های کلان این کشورها در سیاست خارجی، اقتصادی و... و اثرات آن در سطح منطقه و جهان، نمود بارزی دارد.

متغیر هشتم: واگرایی، خودمختاری و جدایی‌طلبی

تفاوت‌های قومی، نژادی، فرهنگی، سیاسی، دینی، مذهبی، زبانی، تاریخی و ناهمگونی‌های محیط جغرافیایی در هر کشوری که آرمان سیاسی تعریف‌شده و مشخصی وجود نداشته باشد، زمینه‌ساز بروز افکار واگرایی در جامعه و

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.1735322.1400.21.76.8.6]

تسریع فرایند جداسازی می‌شود. از سوی دیگر وجود تجانس‌های قومی، نژادی، فرهنگی، سیاسی، دینی، مذهبی، تاریخی و همگونی محیط جغرافیایی در کشورها سبب ایجاد پیوندهای اجتماعی و رشد افکار هم‌گرایی می‌شود و نقشی سازنده در همبستگی، یکپارچه‌سازی، وحدت و امنیت ملی ایفا می‌کند. در واقع، بررسی دلایل و میزان واگرایی، خودمختاری و جدایی طلبی در کشورهای حوزه خزر، چون نتایج آن مستقیماً بر بنیان‌های جغرافیایی این کشورها اثرگذار است، از عوامل بسیار مهم، غیرقابل اغماض و کلیدی در بررسی محیط ژئوپلیتیکی این کشورها محسوب می‌شوند.

متغیر نهم: سیاست‌های نامناسب اقتصادی

انتخاب الگوهای توسعه اقتصادی نامناسب که منجر به شکوفایی اقتصادی و ارتقاء سطح زندگی مردم نشود، می‌تواند به افزایش بی‌ثباتی منجر شود. کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز با توجه به ظرفیت‌های بالقوه خود هرکدام به‌نوعی با فرصت‌هایی برای توسعه اقتصادی مواجه می‌باشند. افزایش درآمدهای برخی از کشورهای منطقه از فروش منابع طبیعی نیز به اختلاف سطح زندگی مرد این کشورها منجر و مهاجرت‌های ناشی از علایق اقتصادی را به‌وجود آورده که در نتیجه به قطب‌بندی قومی تبدیل‌شده و امنیت منطقه‌ای را در آینده با تهدید مواجه خواهد نمود.

متغیر دهم: توزیع نامناسب ثروت و فساد مالی

در کشورهای دارای منابع انرژی به‌ویژه کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز، قول‌های دولت‌ها برای آینده‌ای روشن، توزیع مجدد ثروت و بالا بردن قدرت اقتصادی انتظارات زیادی را در میان گروه‌های نژادی و اجتماعی ایجاد کرده است. درآمدهای نفتی در میان‌مدت می‌تواند از نگرانی‌های عمومی بکاهد ولی در بلندمدت اگر به هر دلیلی این قول‌ها محقق نشود و انتظارات اجتماعی برآورده نشود، تنش‌های اجتماعی پدید خواهند آمد. این مسئله در مورد مردم بقیه کشورها نیز صادق است.

دلایل عدم تایید متغیر نهم (سیاست‌های نامناسب اقتصادی) و متغیر دهم (توزیع نامناسب ثروت و فساد مالی): به اعتقاد صاحب‌نظران حوزه جغرافیای سیاسی، این دو مولفه جزو متغیرهای ژئواکونومیکی دسته‌بندی می‌شوند و طبعاً می‌توانند به‌عنوان متغیرهای مرتبط با بعد «اقتصادی» محیط‌های پیرامونی شناخته شوند. از طرف دیگر، به‌کار بردن اصطلاح «نامناسب» موجب جهت‌دهی به این دو مولفه گردیده است که بهتر است به‌عنوان سه متغیر «راهبردها و سیاست‌های کلان اقتصادی»، «وضعیت توزیع ثروت و عدالت اقتصادی» و «میزان سلامت ساختار مالی و اداری» در بعد اقتصادی محیط پیرامونی جانمایی گردند. به اعتقاد نگارنده، این متغیرها بنا به دلایل فوق، از نظر پرسش شوندگان واجد امتیاز لازم نگردیده است.

متغیر یازدهم: قاچاق کالا و مواد مخدر

در بُعد ملی، رابطه مواد مخدر با جرائم باعث بروز مناقشات، معضلات اجتماعی، تضعیف دولت‌ها و عقب‌ماندگی کشورها شده است. امروزه معضل تولید قاچاق مواد مخدر و اعتیاد از پدیده‌های شوم کشورها محسوب شده و توانایی‌های اقتصادی، ظرفیت‌های امنیتی و انتظامی بسیاری را به خود معطوف داشته و جنبه‌های فراملی به‌خود

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.1735322.1400.21.76.8.6]

گرفته است. معضلاتی که از قبال این موضوع در آینده می‌تواند منطقه خزر را با خطر مواجه نماید، مشکل مواد مخدر، جرائم سازمان‌یافته در مناطق مرزی و فعالیت‌های جنایی مربوطه می‌باشد و در مقیاسی که قاچاق مواد مخدر و مصرف آن به‌ویژه در آسیای مرکزی گسترش یافته، به دنبال خود فساد و قاچاق سلاح را نیز در پی خواهد داشت. دلایل عدم تایید متغیر یازدهم (قاچاق کالا و مواد مخدر): این متغیر نیز از نظر جامعه نمونه در پرسشنامه مورد تایید واقع نگردیده است. بر مبنای نظرات خبرگان، ارتباط این متغیر با توجه به نوع و میزان اثرگذاری آن، با بعد دفاعی- امنیتی بسیار بیش‌تر از بعد سیاست داخلی می‌باشد و با توجه به ارتباط آن با امنیت ملی کشور می‌بایست ذیل بعد دفاعی- امنیتی ساماندهی گردد. به همین دلیل این متغیر نیز توسط نتایج از حاصل از پرسشنامه، از فهرست متغیرهای اصلی ژئوپلیتیکی مرتبط با سیاست داخلی کشورهای محیط پیرامونی ایران خارج گردیده است.

نتیجه‌گیری

با توجه به ویژگی‌های خاص «سیاست داخلی» کشورهای پیرامون ایران بخصوص در حوزه خزر، شناخت دقیق آن برای مسئولین و مدیران کلان کشور بسیار حائز اهمیت ارزیابی می‌شود. دلایل این امر از این قرار است که از آنجایی که ساختار حکومتی آن‌ها بجا مانده از شیوه‌های حکومتی شوروی سابق است، اثرات آن سیستم هنوز در ساختار تصمیم‌گیری این کشورها مشهود بوده و حکومت‌های این کشورها به‌ظاهر دموکراتیک و مبتنی بر آرای مردم، ولی در عمل اقتدارگرا می‌باشند. یکی از دلایل اصلی این امر رشد سیاسی و هویتی رهبران این کشورها در قالب رهبران محلی در حکومت شوروی سابق بوده و حضورشان در رأس حکومت‌های تازه تاسیس، موجب پیاده‌سازی رفتارهای اقتدارگرایانه در روند تصمیم‌گیری‌های کلان این کشورها می‌باشد. به‌طوری که این فرهنگ سیاسی از نسل اول رهبران این کشورها به نسل‌های دوم و سوم رسوخ پیدا کرده و تداوم یافته است. اکثر این رهبران به‌صورت مادام‌العمر حکومت نموده و هرگونه مخالفت سیاسی خلاف اراده خود را با اقتدار کامل و روش‌های مختلف خنثی و خاموش نموده‌اند. با توجه به موارد فوق، این نکته باید مدنظر قرار گیرد که طبیعتاً هرگونه قوانین، راهبردها و رفتار این کشورها در حوزه سیاست خارجی، رژیم حقوقی دریای خزر، اقتصادی، دفاعی-امنیتی، فرهنگی-اجتماعی و... متاثر از نوع نگاه حاکمان و یا هیئت حاکمه این کشورها به این مسائل خواهد بود و به این بستگی خواهد داشت که در هر حوزه، اقدامات مدنظر هیئت حاکمه این کشورها چگونه است. بنابراین در فرآیند شناخت محیط ژئوپلیتیکی ج.ا.ا بخصوص در حوزه دریای خزر، شناخت عامل «سیاست داخلی» این کشورها، از این جهت برای تصمیم سازان و تصمیم گیران سیاست خارجی کشور بسیار مهم و حیاتی است که بدون شناخت کامل متغیرهای تاثیرگذار سیاست داخلی این کشورها، شناخت سایر عوامل دشوار و همراه با اشتباه خواهد بود. در خصوص احصاء متغیرهای ژئوپلیتیکی مرتبط با بعد سیاست داخلیِ اثرگذار و نقش‌آفرینی در محیط پیرامونی جمهوری اسلامی ایران (با تأکید بر حوزه ژئوپلیتیکی دریای خزر)، با عنایت به مطالعات نگارندگان، مبانی نظری و پیشینه، لحاظ نمودن دیدگاه‌ها و مشورت با کارشناسان حوزه‌های راهبردی، ژئوپلیتیکی و دریای خزر و استخراج نتایج حاصل از داده‌های پرسشنامه، از یازده متغیر مفروض ذیل بعد سیاست داخلی، تعداد پنج متغیر به‌عنوان

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.1735322.1400.21.76.8.6]

متغیرهای ژئوپلیتیکی مهم، تاثیرگذار و اصلیِ ذیل بعد سیاست داخلی کشورهای حوزه دریای خزر با توجه به اولویت متغیرها به شرح مشخص می‌گردد. از نظر نگارندگان متغیرهای ذیل به جهت اثرگذاری بسیار بالای آن بر سایر ابعاد و متغیرهای ژئوپلیتیکی محیط پیرامونی کشور می‌تواند مبنای مطالعه محیطی در بعد سیاست داخلی کشورهای حوزه دریای خزر قرار گیرد تا درک درست و کامل‌تری از محیط ژئوپلیتیکی پیرامون ج.ا.ا به‌دست آید:

۱) واگرایی، خودمختاری و جدایی‌طلبی

۲) نوع و ساختار سیاسی حکومت

۳) وفاق ملی و مشارکت اجتماعی

٤) وضعیت استقلال سیاسی

۵) قانون اساسی و کیفیت وضع قوانین

توضیح این‌که، در بحث ارزیابی متغیر «واگرایی، خودمختاری وجدایی‌طلبی» به‌عنوان مهم‌ترین و اولویت‌دارترین عامل ژئوپلیتیکی بعد سیاست‌داخلی، موارد زیر شایان ذکر است:

الف) یکی از ویژگی‌های سیاست داخلی کشورهای حوزه خزر که متاثر از دو عنصر استقلال سیاسی در قالب یکپارچگی قومی پس از فروپاشی شوروی و لائیک بودن سیستم حکومتی (ناشی از سال‌ها فاصله گرفتن از دین و زندگی در زیر چتر ایدئولوژی کمونیسم) می‌باشد، تاکید بر ناسیونالیسم به‌عنوان محور وحدت، وفاق ملی و مشارکت اجتماعی کشور خود به‌جای تاکید بر ایدئولوژی است. یکی از فاکتورهایی که این اصل را درکشورهای حوزه خزر تقویت می‌کند، وجود یکپارچگی قومی و تقسیم‌بندی سرزمینی جمهوری‌ها بر اساس قومیت‌های مستقر در این مناطق است (همان‌گونه که از نامشان پیداست: ترکمنستان، قزاقستان و...). یکی از اصول این ناسیونالیسم، تاکید بر ملیت و اصالت نژاد ترک در کشورهای آذربایجان، ترکمنستان و تا حدودی قزاقستان است. این امر بلافاصله پس از استقلال از شوروی، توسط رهبران آذربایجان و با هدف اتحاد با آذربایجان ایران و تشکیل آذربایجان بزرگ پیگیری گردیده است (Ghodsi, 2012). همچنین در ترکمنستان این ایده با هدایت هیئت حاکمه این کشور و با هدف وحدت و ارتباط با کلیه ترکمن‌های جهان با تشکیل انجمن، دانشکده و انتشار نشریات و مجلات مربوطه پیگیری می‌شود.

ب) از طرفی تمامی این امور به‌شدت از جانب کشور ترکیه از جنبه‌های مختلف و با اهداف مختلف و در قالب ملل ترک حمایت می‌شود. این امر از جهاتی بر منافع و امنیت ملی ایران اثرگذار است. با توجه به ماهیت حکومت ج.ا.ایران که حکومتی دینی است، رشد هر نوع اندیشه، از جمله اندیشه قوم‌گرایی، به‌گونه‌ای که از ارزش‌های دینی در ایران پیشی بگیرد، می‌تواند تهدیدی جدی علیه امنیت کشور باشد. در واقع، رشد تفکرات و تحرکات ناسیونالیستی در آذربایجان و حمایت‌های همه‌جانبه ترکیه در این خصوص، موجب رشد اندیشه‌های قومیتی و جدایی‌طلبی در مناطق و استان‌های آذری زبان ایران گردیده است. این موضوع از جنبه‌های سیاست داخلی، سیاست خارجی، اقتصادی و فرهنگی قابل بررسی است:

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.1735322.1400.21.76.8.6]

(۱) از جنبه سیاست داخلی، در وهله اول باعث ایجاد مشکلات امنیت داخلی برای کشور ناشی از به‌وجود آمدن زمینه آسیب‌های امنیتی از طرف گروهک‌های هوادار این جریانات برای نیروهای امنیتی، مردم و زیرساخت‌های کشور به‌خصوص در استان‌های مرزی آذری‌نشین گردیده است. همچنین این امر زمینه‌های لازم را برای واگرایی بخشی از مردم در این مناطق نسبت به نظام سیاسی، هویت ملی خود و کشور فراهم می‌کند و ثالثاً موجب کاهش سرمایه اجتماعی کشور و مشارکت پایین اجتماعی مردم در جریانات کلان سیاسی، فرهنگی و اقتصادی و دفاعی خواهد شد.

(۲) از جنبه سیاست خارجی، پیگیری این دست موضوعات توسط کشور آذربایجان، اولاً موجب سردی روابط سیاسی بین ایران و آذربایجان گردیده و بالطبع زمینه حضور و نفوذ پررنگ دول متخاصم غربی مانند آمریکا و رژیم صهیونیستی به‌خصوص در حوزه‌های دفاعی- امنیتی در این کشور را فراهم نموده است. ضمناً حضور این کشورها در آذربایجان نیز جدای از ایجاد تهدیدات امنیتی و نظامی برای مرزهای شمالی ایران، موجب کاهش نفوذ و حضور ایران در این کشور از جنبه‌های مختلف گردیده است.

(۳) از جنبه اقتصادی، حمایت‌های همه‌جانبه کشور ترکیه از کشورهای حوزه خزر، زمینه ایجاد روابط راهبردی ترکیه در حوزه‌های مختلف با این کشورها را فراهم نموده و با توجه به رشد اقتصادی و صنعتی ترکیه در سال‌های اخیر، زمینه‌های سرمایه‌گذاری وسیع در طرح‌های زیرساختی، خدماتی و کشاورزی این کشورها (طرح‌هایی که بخش خصوصی و دولتی ایران نیز توان فنی و اقتصادی لازم را برای حضور در آن بخش‌ها دارد) و سودآوری سرشار اقتصادی را برای ترکیه فراهم نموده و موجب کاهش حضور، سرمایه‌گذاری و بالطبع درآمدزایی ایران در این کشورها بخصوص برای سرمایه‌گذاران و صادرکنندگان حوزه‌های مختلف بخش خصوصی استان‌های آذری نشین در کشور آذربایجان گردیده است.

(٤) این موضوع از جنبه فرهنگی نیز تا حدودی قابلیت بررسی و تعمق را دارد. با توجه به تسلط سیاسی ایران تا ابتدای قرن نوزدهم و همچنین نفوذ طولانی‌مدت فرهنگی ایران در آسیای مرکزی و قفقاز، گرایش‌ها فرهنگی زیادی در بین ملل آسیای مرکزی و قفقاز به ایران وجود دارد. در حال حاضر سرمایه‌گذاری‌ها و حمایت‌های بی‌دریغ ترکیه جهت ترغیب مردم و حکومت‌های این حوزه به سمت خود، موجب فاصله‌گیری هرچه بیش‌تر فرهنگی بین ایران و مردم کشورهای این منطقه و بالطبع کاهش نفوذ ژئوپلیتیکی ایران در این حوزه گردیده است.

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.1735322.1400.21.76.8.6]

References

- Firoozian, M., (2008), "Challenges facing Iran in the Caspian sea", ***Ain Quarterly***, 13 (14): 103-106. [In Persian].
- Ghasemi, H., Nazeri, Z., (2011), "Geopolitical developments in Caspian sea basin and changing the role of great powers in this region", ***Geopolitical Quarterly***, 7 (3): 54-75 .[In Persian].
- Ghodsi, A., (2012) "Geopolitical factors affecting the relations between Azerbaijan and the Islamic Republic of Iran" ***Strategic Information Monthly***, 110: 77-95. [In Persian].
- Hafeznia, M. R., Rashidi, Gh. A., Parhizar, A., Afshardi, M. H., (2007), Theoretical model of defense strategy design based on geopolitical factors, ***Geopolitical Quarterly***, 3 (8): 33-50. [In Persian].
- Hafeznia, M. R., (2018) "***Principles and Concepts of Geopolitics***", New Edition, Mashhad: Astan Qods pub . [In Persian].
- Hafeznia, M. R., (1999), "Differences and conflicts in the geopolitical field of the Caspian sea", ***Quarterly Journal of Central Asia and Caucasus Studies***, 27: 25-47 .[In Persian].
- Hafeznia, M. R., Dolatabadi, Sh., (2007), "Geopolitical interests and national strategy case study: Iran towards central Asia", ***Quarterly Journal of Strategic Defense Studies***, 36: 30-54. [In Persian].
- Hear, J. F., (1398), "***Structural equation modeling: minimum partial squares (PLS - SEM)***", Translated by Rasoul Gholamzadeh, Tehran: Negah Danesh Pub. [In Persian].
- Khalili Shourini, S., (2012) "***Mixed Research Methods (with Emphasis on Localization)***", Second Edition, Tehran: Book Memorial. [In Persian[.
- Kolahi, E., Ebrahimi, A., (2013) "Geopolitical explanation of relations between the Islamic Republic of Azerbaijan and the Republic of Kazakhstan" ***Geopolitical Quarterly***, 9: 41-65. [In Persian].
- Kolahi, E., Ebrahimi, A., (2013) "Geopolitical explanation of relations between the Islamic Republic of Azerbaijan and the Republic of Kazakhstan", ***Geopolitical Quarterly***, 9: 41-65. [In Persian].
- Lotfian, S., (2011) "Strategic and geopolitical significance of Eurasia", ***Farhang-e Andisheh***, 9: 35-58. [In Persian].
- Poursadegh, N., Keshtkar, M., (2016), "***Environmental Strategy in Strategic Management***", Tehran: Azarin Mehr. [In Persian].
- Zaynalabedin, A. Y., Yahyapour, M. S., (2009), "A Study of the Geopolitical Structure of the Caspian Sea Countries", ***Geographical Space Quarterly***, 9 (25): 73-93. [In Persian].

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.1735322.1400.21.76.8.6]